

# سیری در تحول ادبیات معاصر الجزایر ۱۹۲۵-۱۹۷۵

دکتر فاطمه قادری  
عضو هیأت علمی دانشگاه یزد

|                         |                                                   |
|-------------------------|---------------------------------------------------|
| سرشناسه                 | قادری، ناطمه، ۱۳۴۵-                               |
| عنوان و نام پدیدآور     | : سیری در تحول ادبیات معاصر الجزایر               |
|                         | ۱۹۲۵-۱۹۷۵ / ناطمه قادری: مقدمه از محمد علی آذرشب. |
| مشخصات نشر              | : یزد: دانشگاه یزد، ۱۳۸۸.                         |
| مشخصات ظاهری            | : ۳۷۳ص.                                           |
| شابک                    | : ۷-۷۰-۵۸۰۸-۹۶۴-۹۷۸                               |
| وضعیت فهرست نویسی: فیبا |                                                   |
| موضوع                   | : ادبیات عربی - الجزایر - تاریخ و نقد             |
| شناسه افزوده            | : آذرشب، محمد علی، ۱۳۲۶ - مقدمه نویس.             |
| شناسه افزوده            | : دانشگاه یزد، انتشارات.                          |
| رده بندی کنگره          | : ۱۳۸۸ س ۹ ق ۲ / ۵۱۴۱: ۱۸۸                        |
| رده بندی دیویی          | : ۷۰۹ / ۸۹۲                                       |
| شماره کتابشناسی ملی     | : ۱۸۸۹۳۲۰                                         |

● مرکز انتشارات دانشگاه یزد: یزد، صفایه، بلوار دانشگاه،

صندوق پستی: ۷۴۱-۸۹۱۹۵

تلفن: ۰۳۵۱-۸۲۱۱۶۷۰-۹، دورنگار: ۰۳۵۱-۸۲۰۰۱۲۶

|                                                                                                                       |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| نام کتاب: سیری در تحول ادبیات معاصر الجزایر                                                                           |
| مؤلف: دکتر ناطمه قادری                                                                                                |
| ناشر: انتشارات دانشگاه یزد                                                                                            |
| لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سروش مهر، ۲۹۲۵۸۳۹-۰۳۵۱                                                                        |
| نوبت چاپ: اول                                                                                                         |
| تاریخ انتشار: ۱۳۸۹                                                                                                    |
| شمارگان: ۱۰۰۰                                                                                                         |
| قیمت: ۶۲۵۰۰ ریال                                                                                                      |
| شابک: ۷-۷۰-۵۸۰۸-۹۶۴-۹۷۸                                                                                               |
| ISBN: 978-964-5808-70-7                                                                                               |
| ● مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، کارگر شمالی، خیابان فرصت، خیابان دکتر قریب، نرسیده به فرصت، پلاک ۱۱، مؤسسه کتابپیران |
| تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۶۶۵۱۰-۱۵                                                                                                 |

به قلم: دکتر محمد علی آذر شب  
استاد دانشگاه تهران

## مقدمه

کشور الجزایر از دیر باز پیوندهای عمیقی با ایرانیان داشته است. سابقه این پیوندها را می‌توان در قرون اولیه اسلام باز جست. دین مبین اسلام، از جهان اسلام، حوزه تمدنی واحدی ساخته است، درون این حوزه، مبادله معرفتی و همکاری همه جانبه بین علما، ادبا، متفکران و سیاستمداران برقرار شده است.

در شمال آفریقا، عموماً و به ویژه در الجزایر جای پای ایرانیان را به وفور می‌بینیم. به عنوان مثال دولت رستمیان که در سالهای ۱۵۶-۲۹۶ ه‍.ق در الجزایر حکومت کرده‌اند، یک دولت ایرانی و مؤسس آن عبدالرحمن بن رستم (۱۴۴-۱۶۸) ایرانی بوده است، گرچه این دولت بر مذهب «ایاضی» بوده، لیکن کلیه مذاهب اسلامی در آن آزادانه فعالیت علمی داشته‌اند.

عبدالرحمن بن رستم، والی «قیروان» بوده و شهر «قیروان» را ایرانیان بنیاد نهاده‌اند. نام اصلی شهر «کاروان» است؛ زیرا شهر مزبور کارونسرای قوافل تجاری آن زمان بوده است.

عبدالرحمن، دولت رستمیان را در منطقه «تاهرت» در الجزایر تأسیس کرده بود که به زبان بربری به معنای کاروانسراست.

یعقوبی می‌گوید: «شهر بزرگ آن سرزمین (الجزائر)، شهر تاهرت، شهری عظیم، نام عراق المغرب دارد، مردم آن از نژادهای مختلف و اغلب آنان فارسی (ایرانی) هستند» (کتاب البلدان، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۲).

به نظر یکی از مهمترین مشترکات موجود بین ایرانیان و بربرهای شمال آفریقا این است که هر دو، مسلمان از غیر نژاد عربی هستند و این خصوصیت باعث گردید بین آنها هیچگونه تعصب قومی وجود نداشته باشد، علاوه بر آن هر دو از هرگونه برتری نژادی بیزار باشند.

دومین زمینه مشترک بین مردم ایران و الجزایر عزت نفس و ظلم ستیزی است. این اشتراک نظر، مهمترین قیامهای مردمی قرن بیستم جهان اسلام، یعنی قیام ملت الجزایر و قیام ملت ایران را شکل داده است.

قیام مردم الجزایر بازتاب گسترده‌ای بین ایرانیان داشته است و با اینکه شرایط آن زمان چندان اجازه تأیید چنین قیام‌هایی در ایران نمی‌داد، ولی عواطف و احساسات مردم ایران با مردم الجزایر عجین بود. گواه این مدعا اشعاری است که شعرای ایرانی برای قیام الجزایر سروده‌اند.

خسرو فرشیدورد، خاک مردم خیز و قهرمان پرور الجزایر را به زیبایی ستوده و به روح شهیدان راه آزادی، درود و سلام تقدیم می‌کند. سپس از قهرمان و شیرزن آن خطه جمیله بوپاشا، و از شکست استعمار فرانسه در مقابل ارادهٔ مردم الجزایر یاد می‌کند و با دعا برای ملت آزادی خواه الجزایر و سایر ملل آزادی دوست، شعر خود را به پایان می‌برد:

|                             |                           |
|-----------------------------|---------------------------|
| خوشا خاک جان پرور الجزایر   | خوشا مرز پر گوهر الجزایر  |
| سلام فراوان، درود پیایی     | به شیران جنگ‌آور الجزایر  |
| درود فراوان به روح شهیدان   | گرفتند سرتاسر الجزایر     |
| به خاکی که می‌پروراند جمیله | که نامش بود زیور الجزایر  |
| به یاد آر آنکه که غولان رهن | ربودند گنج و زر الجزایر   |
| فکندند در بند، آزادگان را   | فتادند بر پیکر الجزایر    |
| ولی زمین ستم‌ها بر آشت ملت  | به پا خاست شیر نر الجزایر |
| برون آمد از آستین، دست مردم | ز دهقان و برزیگر الجزایر  |
| قیامی به پا شد به ضد پلیدان | جهان گشت فرمانبر الجزایر  |
| به نیروی ایمان و بازوی مردی | نگون خصم حیل‌گر الجزایر   |
| کنون فکر آزادمردان گیتی     | شود روشن از اخگر الجزایر  |
| کنون شعلهٔ انقلابات عالم    | جهاد جهان گستر الجزایر    |

محمدجعفر ایرانپور توپسرکانی نیز به مناسبت استقلال الجزائر این شعر را سروده

است:

|                                 |                                       |
|---------------------------------|---------------------------------------|
| سلام باد بر آن ملت شرافتمند     | که کشته داد و شد از قید بردگی آزاد    |
| سلام باد بر آن مردم نجیب و غیور | که کشت و کشته شد و تن به بار ننگ نداد |
| دروود ملت هم کیش خویش بپذیرید   | شما که جنبش‌تان فخر و سربلندی ماست    |
| سپاس ایزد کو داد حق به حق‌داران | چو پشتیبان حقیقت به هر امور خداست     |

شاعر مزبور، نیم‌نگاهی به گذشتهٔ پر افتخار و رجال علمی می‌اندازد که از فرانسه برخاسته و منشأ برکات بزرگ در علم و هنر و اجتماع گردیده‌اند، آنگاه، با مقایسهٔ گذشتهٔ فرانسه با زمان استعمار، (زمان جنگ و غارت مردم الجزایر) به این واقعیت تلخ اجتماعی اشاره می‌کند که توحشی که مدعیان آزادی و بشردوستی، به بهانهٔ تمدن و پیشرفت در الجزایر مرتکب شدند، روی همه خون‌خواران تاریخ، مثل چنگیزیان، مغول و نازی‌های آلمان را سفید کرد و لکهٔ ننگی دیگر بر دامن بشریت آن روز نشاند و چهرهٔ دروغین مدعیان حقوق بشر را آشکار ساخت:

|                              |                                |
|------------------------------|--------------------------------|
| بهر ابناء بشر در قرن بیست    | عصر آزادی، بعد از بردگی ست     |
| بس عجب باشد که در این روزگار | کشوری کز علم دارد افتخار       |
| اصل آزادی در او شد استوار    | و ندر او نام عدالت برقرار      |
| مردمی آزاد، در خود پرورید    | در جهان آزادگی را آفرید        |
| کس نمی‌پرسد ز احقاد هوگو     | یا ز نسل مانده از ژان ژاک روسو |
| کین توحش کز شما آمد پدید     | کی کس از چنگیز و آتیلان شنید   |
| از جنایت تیره شد فرهنگستان   | الجزایر کرد افشا ننگستان       |
| الجزایر رنگ فرهنگ شماس       | کز فجایع ننگ فرهنگ شماس        |
| تا بود تاریخ را نام و نشان   | تا که آثاری بماند در جهان      |
| گر همه پاریس از خون گل شود   | لکهٔ این ننگ کی زایل شود       |
| زین فجایع، آدمی حیرت کند     | جانور گر بشنود نفرت کند        |
| شکرلله کام آنان شد به کام    | وز شما گیرد طبیعت انتقام       |

مهمترین خصومت مشترک بین قیام مردم الجزایر و قیام مردم ایران، اسلامی بودن این دو قیام است. یک میلیون و پانصد هزار شهید الجزایری زیر پرچم الله اکبر جان

خود را برای مبارزه با اسلام ستیزی فرانسوی‌ها تقدیم کردند. رهبران آنان از سیدعبدالقادر الجزایری (۱۸۰۸-۱۸۸۳) گرفته تا بن بادیس و محمد البشیر الابراهیمی از علمای دینی بودند.

ناگفته نماند که بن بادیس و محمد البشیر الابراهیمی «جمعية العلماء المسلمين الجزائريين» را در سال ۱۹۳۱ تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی (معروف به افغانی) تأسیس کرده‌اند. انتظار می‌رفت پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، پیوندهای ایران و الجزایر در زمینه‌های فکری و فرهنگی و دانشگاهی به صورت وسیعی گسترش یابد، ولی حوادث تلخی که در جهان عرب در سه دهه اخیر به ویژه در الجزایر روی داد، تا حدود زیادی مانع تحقق آن انتظار بوده است.

به رغم موانع یاد شده، هنوز هم پیوندهای مشترک فکری و فرهنگی ایران و الجزایر متفکران، پژوهشگران و محققان را به تحقیق و تفحص پیرامون چگونگی پیدایش انقلاب الجزایر، مقاومت مردم آن سامان و ویژگی‌های فکری و فرهنگی الجزایر راغب می‌سازد. از آن جمله است پژوهش سرکار خانم دکتر قادری با عنوان «سیری در تحول ادبیات معاصر الجزایر ۱۹۲۵-۱۹۷۵» واقعیت این است پژوهش خانم دکتر قادری، یک گام بلند علمی دانشگاهی در این مسیر بوده است. ایشان با پشتوانه‌ای از عشق و علاقه به وحدت حوزه تمدنی جهان اسلام و کار و کوشش خستگی ناپذیر این رساله علمی را تهیه کرده است و در این راه با مشکلات فراوانی از جمله کمبود منابع در ایران مواجه بوده که با گذراندن فرصت مطالعاتی مناسبی در دمشق، بر این مشکل نیز فائق آمده است.

امیدوارم این کار علمی پر محتوا، آغازی برای مطالعات ادبی و فکری و فرهنگی دیگری درباره کشور الجزایر باشد.

## فهرست مطالب

| عنوان          | صفحه |
|----------------|------|
| پیش‌گفتار..... | ۱۷   |
| مقدمه.....     | ۱۹   |

### فصل اول: آشنایی با کشور الجزایر

|                             |    |
|-----------------------------|----|
| موقعیت جغرافیایی.....       | ۲۵ |
| وضعیت اقتصادی.....          | ۲۷ |
| وضعیت اجتماعی و فرهنگی..... | ۳۱ |
| اقوام و نژادها.....         | ۳۱ |
| زبان.....                   | ۳۳ |
| ادیان و مذاهب.....          | ۳۳ |
| آموزش و فرهنگ.....          | ۳۴ |

|    |                                                    |
|----|----------------------------------------------------|
| ۳۷ | وضعیت سیاسی.....                                   |
| ۳۷ | پیشینه تاریخی.....                                 |
| ۴۲ | جمعیت ها و احزاب.....                              |
| ۴۲ | جنبش اسلامی امیر عبدالقادر.....                    |
| ۴۴ | جمعیت علمای مسلمان.....                            |
| ۴۷ | شیخ عبدالحمید بن بادیس.....                        |
| ۴۸ | محمد البشیر الأبراهیمی.....                        |
| ۴۹ | جمعیت نجم شمال آفریقا.....                         |
| ۵۰ | حزب خلق الجزایر.....                               |
| ۵۰ | حزب دوستداران بیان.....                            |
| ۵۱ | الجزایر و استعمار فرانسه.....                      |
| ۵۱ | نابودی اقتصاد.....                                 |
| ۵۳ | محو هویت و شخصیت الجزایری ها.....                  |
| ۵۳ | تحقیر و خوار شمردن ملت.....                        |
| ۵۴ | محو زبان عربی و از بین بردن فرهنگ اسلامی عربی..... |
| ۵۶ | نابودی فرهنگ.....                                  |
| ۵۸ | تقویت زبان و نژاد بربری.....                       |
| ۵۸ | از بین بردن نفوذ مساجد.....                        |
| ۵۹ | جدا کردن الجزایر از جهان عرب.....                  |
| ۶۲ | نتیجه.....                                         |

## فصل دوم: نگاهی کلی به ادبیات معاصر الجزایر

|    |                              |
|----|------------------------------|
| ۶۷ | نهضت ادبی معاصر الجزایر..... |
| ۷۰ | مراکز فرهنگی.....            |

|                                                                                |                                 |
|--------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------|
| ۷۰.....                                                                        | نادی الترقی (باشگاه ترقی).....  |
| ۷۱.....                                                                        | مرکز قسنطینه.....               |
| ۷۳.....                                                                        | مرکز تلمسان.....                |
| ۷۴.....                                                                        | کتاب و تألیفات.....             |
| ۷۶.....                                                                        | مطبوعات.....                    |
| ۷۷.....                                                                        | روزنامه نگاری.....              |
| ۷۹.....                                                                        | عوامل مؤثر در نهضت ادبی.....    |
| ۸۰.....                                                                        | عامل غرب.....                   |
| ۸۳.....                                                                        | عامل شرق.....                   |
| ۸۴.....                                                                        | عامل ملی.....                   |
| ۸۵.....                                                                        | ویژگی ادبیات معاصر الجزایر..... |
| ۸۹.....                                                                        | ادبیات عامیانه.....             |
| ۹۸.....                                                                        | ادبیات مکتوب به فرانسه.....     |
| ۱۱۲.....                                                                       | ادبیات مقاومت.....              |
| موضع گیری ادبای عرب و فرانسوی در قبال حضور استعمار در الجزایر و انقلاب آن..... | ۱۲۴.....                        |

### فصل سوم: شعر و تحول آن

|          |                            |
|----------|----------------------------|
| ۱۳۳..... | تحول شعر.....              |
| ۱۴۱..... | شعر سنتی.....              |
| ۱۴۹..... | شعر رمانتیک.....           |
| ۱۶۰..... | شعر نو.....                |
| ۱۶۰..... | مرحله اول (۱۹۵۵-۱۹۶۲)..... |
| ۱۶۴..... | مرحله دوم (۱۹۶۲-۱۹۶۸)..... |

|          |                            |
|----------|----------------------------|
| ۱۶۵..... | مرحله سوم (۱۹۶۱-۱۹۷۵)..... |
| ۱۶۹..... | موضوع‌های شعری.....        |
| ۱۷۱..... | مدح.....                   |
| ۱۷۲..... | فخر.....                   |
| ۱۷۴..... | هجو.....                   |
| ۱۷۵..... | وصف.....                   |
| ۱۸۱..... | غزل.....                   |
| ۱۸۶..... | رثا.....                   |
| ۱۹۰..... | مضامین شعری.....           |
| ۱۹۲..... | عشق به وطن.....            |
| ۱۹۴..... | پای بندی به عربیت.....     |
| ۱۹۶..... | تمجید گذشته.....           |
| ۲۰۰..... | شعر مناسبات.....           |
| ۲۰۵..... | دفاع از زبان عربی.....     |
| ۲۰۶..... | غربت و آوارگی.....         |
| ۲۰۷..... | بیان سختی‌ها و رنج‌ها..... |
| ۲۱۰..... | زن.....                    |
| ۲۱۲..... | مسائل جهان عرب.....        |
| ۲۱۵..... | شعرا.....                  |
| ۲۱۵..... | مالک حداد.....             |
| ۲۱۶..... | آثار وی.....               |
| ۲۱۸..... | صالح خرفی.....             |
| ۲۱۸..... | آثار.....                  |
| ۲۱۹..... | هنر شاعری او.....          |

|     |                                 |
|-----|---------------------------------|
| ۲۲۰ | ..... سبک وی                    |
| ۲۲۱ | ..... محمد ابوالقاسم خمار       |
| ۲۲۲ | ..... آثار وی                   |
| ۲۲۳ | ..... مغدی زکریا                |
| ۲۲۴ | ..... آثار شاعر                 |
| ۲۲۴ | ..... شعر مغدی زکریا            |
| ۲۲۹ | ..... محمد الاخضر السانحی       |
| ۲۳۱ | ..... آثار وی                   |
| ۲۳۱ | ..... ابوالقاسم سعدالله         |
| ۲۳۳ | ..... تألیفات وی                |
| ۲۳۴ | ..... محمد العید                |
| ۲۳۵ | ..... جلوه های شاعری محمد العید |
| ۲۳۹ | ..... آثار محمد العید           |
| ۲۳۹ | ..... دیوان محمد العید          |
| ۲۴۲ | ..... نتیجه                     |

#### فصل چهارم: نثر و تحول آن

|     |                               |
|-----|-------------------------------|
| ۲۴۷ | ..... تحول نثر                |
| ۲۴۹ | ..... مقاله                   |
| ۲۵۰ | ..... مقاله روزنامه‌ای        |
| ۲۵۵ | ..... مقاله ادبی              |
| ۲۵۸ | ..... داستان                  |
| ۲۶۰ | ..... داستان کوتاه            |
| ۲۶۲ | ..... عوامل تأخیر ظهور داستان |

|          |                                   |
|----------|-----------------------------------|
| ۲۶۲..... | تاخیر ظهور آن در مشرق عربی.....   |
| ۲۶۲..... | پای بندی به سنت ها.....           |
| ۲۶۳..... | عقب ماندگی فرهنگی.....            |
| ۲۶۴..... | عدم توجه به نثر و فنون آن.....    |
| ۲۶۴..... | ضعف نقد و ترجمه.....              |
| ۲۶۵..... | عوامل موثر در ظهور داستان.....    |
| ۲۶۵..... | جنبش اصلاحات.....                 |
| ۲۶۶..... | ارتباط با شرق.....                |
| ۲۶۶..... | داستان های عامیانه.....           |
| ۲۶۷..... | انقلاب.....                       |
| ۲۶۸..... | مراحل تحول داستان کوتاه.....      |
| ۲۶۸..... | مقاله داستانی.....                |
| ۲۷۳..... | تصویر داستانی.....                |
| ۲۷۸..... | داستان فنی.....                   |
| ۲۸۲..... | داستان کوتاه مکتوب به فرانسه..... |
| ۲۸۶..... | رمان.....                         |
| ۲۹۵..... | نمایشنامه.....                    |
| ۳۰۸..... | نویسندگان.....                    |
| ۳۰۸..... | احمد رضا حوحو.....                |
| ۳۰۸..... | محمد دیب.....                     |
| ۳۱۹..... | مولود فرعون.....                  |
| ۳۲۲..... | مولود معمري.....                  |
| ۳۲۴..... | عبدالحمید بن هدوقه.....           |
| ۳۲۷..... | کاتب یاسین.....                   |

۳۳۰..... نتیجه

۳۳۱..... خاتمه

#### نمایه ها

۳۳۹..... نمایه اشعار

۳۵۵..... نمایه اشخاص

۳۵۹..... نمایه مکانها

۳۶۲..... فهرست منابع

## پیش‌گفتار

حمد و سپاس خداوند را که به این بنده کمترین توفیق بخشید تا این اثر را در مورد یکی از موضوعات مورد علاقه خود به انجام رساند.

تحقیق حاضر در نوع خود اولین اثر به زبان فارسی در مورد ادبیات معاصر الجزایر به عنوان یک کشور عربی با پیشینه تاریخی کهن است که در آن به نهضت ادبی و عوامل مؤثر در آن و همچنین دو جنبه مهم ادبی یعنی شعر و نثر و فنون و تحولات آنها، همچنین معرفی شعرا و نویسندگان برجسته و تحلیل آثار آنها می‌پردازد.

از مشکلات عمده این تحقیق، عدم دستیابی به منابع کافی در ایران بود. در نتیجه دستیابی به منابع مطلوب و دست اول کاری بسیار دشوار بود و زمان زیادی می‌طلبید زیرا با وجود جستجوهای گسترده‌ای که در کتابخانه‌ها به عمل آمد تعداد آنها از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد. با وجود این ضمن تماسهایی که به طرق مختلف با استادان برخی کشورهای عربی از جمله در لبنان و مراکش به عمل آمد و طی اقامت شش ماهه در کشور سوریه، منابع مناسبی به دست آمد. و می‌توان گفت اکثر منابعی که مستقیماً به موضوع ارتباط دارند دست اول بوده و در آنها ارجاعی از سوی نویسنده مشاهده نمی‌شود. در هر صورت تلاش گردیده تا حدامکان کار تحقیق کامل و عمیق و مستند باشد. البته در اینجا ذکر این نکته ضروری است که با وجود تمام تلاشی که به کار رفته تا به تمام جنبه‌های ادب الجزایری پرداخته شود همچنان نیاز به تلاش‌های دیگر از سوی محققان باقی است و زمینه برای پژوهشگران در کشف ارزشهای ادبی و انسانی ادبیات الجزایر گسترده است.

در اینجا برخود لازم می‌دانم از تمام عزیزان و بزرگوارانی که در راه این تحقیق در داخل و خارج کشور مرا مورد لطف قرار داده و یاری نمودند سپاسگزاری نمایم. از اینرو سپاس بی دریغ خود را به استاد بزرگوار آقای دکتر آذرشب که راهنمای این بنده در این تحقیق بودند و همچنین اساتید دانشگاه دمشق آقایان دکتر عبدالنبی اصطیف، دکتر غسان السید و خانم دکتر ماجده حمود و همچنین اعضاء و کارکنان محترم اتحادیه نویسندگان عرب و دیگر عزیزانی که در آن سرزمین افتخار آشنایی با آنها را یافتم، تقدیم می‌دارم. از گروه عربی و دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس نیز که زمینه انجام این تحقیق را فراهم آوردند سپاسگزاری می‌نمایم.

در نهایت با سپاس فراوان از الطاف بیکران خداوند، ضمن اعتراف به نقص و کاستی‌های کار از صاحبان فضل و ادب تقاضا دارم بنده را در رفع نقایص و جبران ضعفها با راهنمایی‌های اندیشمندانه خود یاری نمایند.

فاطمه قادری

۸۷/۶/۱۴

## مقدمه

الجزایر یکی از کشورهای عربی شمال آفریقا است که در تاریخ خود، شاهد یکی از بزرگترین حوادث، یعنی انقلاب هشت ساله ملت علیه اشغال گران فرانسوی بوده است. اشغال گرانی که تنها اهداف سیاسی و اقتصادی را دنبال نمی کردند، بلکه طی ۱۳۰ سال حکمرانی و اعمال سلطه بر این کشور تلاش همه جانبه ای برای محو آثار فرهنگ و ادب و تمدن و زبان این کشور به کار بردند تا آن را به یک کشور غیر اسلامی با فرهنگ فرانسوی تبدیل نمایند. بنابراین بسیاری از مساجد را بستند و آنها را به کلیسا و یا پادگان و... تبدیل کردند، مکتب خانه ها را که به آموزش قرآن اختصاص داشت به مدارس به سبک غربی تبدیل نموده و زبان فرانسه را زبان رسمی اعلام کردند. اما در این راه با مقاومت هایی از سوی ملت الجزایر مواجه گردیدند که سرانجام به انقلاب ۱۹۵۴ انجامید. انقلابی که هشت سال ادامه یافت و در سال ۱۹۶۲ این کشور به استقلال رسید.

این انقلاب یکی از حوادث بزرگ قرن بیستم در قلمرو کشورهای عربی است. تمام طبقات ملت دست به دست هم با تلاشی وصف ناپذیر برای پیروزی و کسب استقلال و با تقدیم یک و نیم میلیون شهید و همچنین تکیه بر دستورهای اسلام و قرآن توانستند به اشغال ۱۳۰ ساله استعمار خاتمه داده، استقلال خود را به دست آورند. این استقلال مرهون روحیه شهادت طلبی فرزندان این کشور و آرمان اسلامی آنها بوده است. در این میان نقش علمای دینی را در تقویت ایمان و عقیده دینی و نقش شعرا در بیدارسازی و تشویق و تقویت روحیه حماسی را در ملت الجزایر نمی توان نادیده گرفت. آنها خرد در

متن مبارزه حضور داشته و جزئی از این قیام بودند حتی خود به مبارزان انقلابی مبدل گردیده و از هیچ کوششی در جهت حفظ فرهنگ اصیل اسلامی کشورشان دریغ نورزیدند.

در این زمان بود که ادبیات با دو شاخه شعر و نثر وارد صحنه گردید و طبیعی بود که به همراه تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه دستخوش تحولاتی گردد.

بدنبال نهضت ادبی الجزایر همزمان با شکل گیری جنبش اصلاحی، علایم تغییر و دگرگونی در شعر الجزایر نمایان گردید. این تحول در ظهور شعر جدید که با شعر قبل از جنگ جهانی اول تفاوت عمده ای داشت، تجلی یافت. شعر جدید، اهداف متعددی داشت که با واقعیت اجتماعی هماهنگ بود و از این رهگذر، شعر ملی، اصلاحی، اجتماعی و سیاسی به ظهور رسید. در زمینه فنی نیز تحولاتی در شعر رخ داد و قصیده از مقدمه های سستی رهایی یافت و زبان آن به زبان شعر و ادب نزدیک شد و آثار صنایع لفظی و بدیع که موجب سنگینی لفظ می گردید از بین رفت.

شعر الجزایری در دوره معاصر سه مرحله سستی، رمانتیک و شعر نو را پشت سر گذاشت. مهم ترین پدیده قابل بحث در این مرحله ظهور شعر مقاومت است به گونه ای که می توان گفت شعر الجزایری در مقایسه با شعر معاصر جهان در مجموع شعر مقاومت است.

ظهور شعر به زبان فرانسه نیز از دیگر پدیده های این دوره است. در این نوع شعر نیز واقعیت های ملت الجزایر و اصول روح خالص عربی را می توان احساس نمود. شعری که به اقتضای ضرورت با این زبان سخن می گفتند. آن را وسیله ای برای انتقال افکار الجزایریان به اهل فرهنگ و ادب جهان تلقی می کردند.

از زمان وقوع نهضت ادبی، با گسترش مطبوعات، رشد ترجمه و افزایش ارتباط الجزایر با نهضت شرق عربی و همچنین تحولات سیاسی و اجتماعی در نثر الجزایری نیز تحولاتی صورت گرفت و انواع جدیدی چون مقاله ادبی، داستان کوتاه، نایشنامه و رمان در نثر ادبی پدیدار گشت که هر کدام از آنها با تحولات نسبتاً گسترده ای همراه بود.

محتوای اکثر آثار ادبی این دوره پیرامون مسائلی چون آزادی، قومیت عربی، اسلام، شخصیت ملی و زندگی روزمره اجتماعی دور می زد.

مسئله الجزایر وجدان بسیاری از ادبا و اندیشمندان فرانسوی را بیدار کرد. آن ها تحت تأثیر مقاومت الجزایریان قرار گرفته و خشونت استعمار را محکوم کرده و به پشتیبانی از حق آن ها در تعیین سرنوشت خود پرداخته و به جرأت مواضع خود را اعلان نمودند.

پس از استقلال الجزایر در سال ۱۹۶۲، گام هایی به منظور عربی کردن و الجزایری کردن فرهنگ و زبان و مبارزه با فرهنگ غرب زده و بازسازی سیستم آموزشی برداشته شد. مدارس جدید تأسیس گردید، روزنامه ها رونق یافتند، زبان عربی در اداره های دولتی و موسسات علمی و فرهنگی رسمیت یافت و دانشجویانی به دانشگاه های کشورهای عربی اعزام شدند. ادبیات و شعر و نقد شکوفا شد و بزرگان زیادی در تمام زمینه های ادبیات و شعر و نقد ظاهر گردیدند.

نقطه آغاز بحث سال ۱۹۲۵ در نظر گرفته شده؛ زیرا در این سال، جنبش اصلاحی که تأثیر زیادی بر نهضت ادبی داشت، در الجزایر به وقوع پیوست و از این سال به بعد، مقاومت ملت تشدید شد و البته ادبیات در این مقاومت حضور فعال داشت و گام به گام با آن قدم بر می داشت و کم کم از حالت رکود حاکم بر آن خارج گردید. در واقع، این سال را می توان آغاز تحول ادبیات معاصر الجزایر دانست. پایان بحث سال ۱۹۷۵ در نظر گرفته شد؛ زیرا پس از این سال ها، ادبیات الجزایر وارد مرحله جدیدی متفاوت از مراحل قبل گردید که خود بحثی جداگانه می طلبد.

این دوره ۵۰ ساله براساس گفته خود الجزایری ها از حساس ترین و مهم ترین دوران ها در تاریخ الجزایر محسوب می شود؛ چرا که این کشور شاهد یکی از بزرگترین انقلاب ها در سطح جهان بود که در نهایت منجر به عقب نشینی استعمار ۱۳۰ ساله گردید.

در این تحقیق قصد داریم از تأثیرات مثبت و منفی حضور استعمار بر فرهنگ و ادب این کشور سخن گفته و سیر تحول آن را در زمانی که ادبیات جهان عرب شاهد نهضت ادبی بزرگ و تحولات عظیمی بود بررسی کنیم و موقعیت الجزایر در این نهضت ادبی و همچنین چگونگی تعامل ادبای الجزایری با دو پدیده بارز در تاریخ کشورشان - یعنی استعمار و مقاومت - و نشانه های تأثیر این دو پدیده در آثار نویسندگان الجزایری را مورد بررسی قرار دهیم.

ویژگی خاص این تحقیق آن است که سعی گردیده ضمن بیان ویژگی های خاص ادبی این مرحله و ارائه مجموعه کاملی که تمام جنبه های ادبی از نهضت ادبی و آثار آن و شعر و نثر و تحولات و فنون هر کدام را مورد بررسی قرار دهد، میزان تأثیر انقلاب و نهضت را در ادبیات بیان کرده نقش ادبیات و ادبا را در پیشبرد انقلاب و مقاومت و پیروزی گوازد نماید.

خوشبختانه، در لایه لای اشعار، داستان ها و نمایشنامه ها، به شواهد قابل ملاحظه ای برای اثبات این مطلب دست یافتیم که در بخش های مختلف به آن ها اشاره گردیده است. همچنین تلاش گردیده موضع ادبیات در قبال تهاجم فرهنگی گسترده فرانس و میزان و کیفیت تأثیرپذیری از فرهنگ و ادب این کشور اروپایی و نقش اسلام و اعتقادات دینی مردم در مقابله با آن بیان گردد.